

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



دانشگاه باقرالعلوم (ع)
(غیر دولتی - غیر انتفاعی)

دانشگاه باقرالعلوم علیه السلام

دانشکده : علوم سیاسی، اجتماعی و تاریخ

پایان نامه جهت اخذ درجه کارشناسی ارشد

رشته : اندیشه سیاسی در اسلام

عنوان :

بررسی وجوه تعامل فلسفه سیاسی و فقه سیاسی در اندیشه

سیاسی امام خمینی (قدس سره)

استاد راهنما :

حجت الاسلام دکتر شریعتمدار

استاد مشاور :

حجت الاسلام دکتر بهروز لک

نگارش :

مجتبی اکبری

بهمن ۱۳۹۰

تقدیم به روح پر فتوح پدرم

که آرمان و اندیشه ام را به حقیقت دوخت.

و چشمان پر فروغ مادرم

که صبوری و ایمان را به من آموخت.

این رساله قطره کوچکی است

از دریای عشقم به امام راحل (ره)

یادش بخیر که سلمان بود

مردی که روشنایی ایمان بود.

سپاسگذارم
از خداوندی که توان نگارشم عطا فرمود
و ممنونم
از راهنمایی های اساتیدم

و فراموش نخواهم کرد
زحماتی را که بهترین دوستم کشید.

چکیده:

شخصیت علمی حضرت امام یک شخصیت جامع الاطراف و چند بعدی است. حضرت امام همچنان که فقیه سیاسی است فیلسوف سیاسی نیز هست. این تحقیق در پی آن است تا با روش تحقیق کتابخانه ای ارتباط میان این دو بعد علمی حضرت امام را مطالعه و وجوه تعامل میان فقه و فلسفه سیاسی حضرت امام را بررسی کند. سوال اصلی این پژوهش آن است که وجوه تعامل میان فلسفه سیاسی و فقه سیاسی امام خمینی (قدس سره) چگونه است؟ بررسی آثار حضرت امام نشان می دهد که فقه و فلسفه سیاسی ایشان در مسایلی مانند انسان شناسی، جامعه مطلوب و حکومت آرمانی، و نیز حاکمان و امامان جامعه در تعاملی پر ثمر قرار دارد. این پژوهش نشان می دهد که چگونه حضرت امام در فلسفه سیاسی خود تعریفی از انسان و جامعه و حکومت مطلوب خویش ارائه می دهد و سپس در فقه سیاسی خویش علاوه بر ترسیم قانون و ویژگی های حاکمان آن جامعه، از نظر تکلیف شرعی نیز برای دست یابی به آن تلاش می کند. این تحقیق نظریه ولایت فقیه حضرت امام را نتیجه و ثمره ارتباط فقه و فلسفه سیاسی حضرت امام معرفی کرده و آن را در راستای تعامل این دو حوزه اندیشه سیاسی حضرت امام مورد کنکاش قرار می دهد. بر اساس تحقیق حاضر، بررسی وجوه تعامل حوزه های اندیشه حضرت امام به فقه و فلسفه سیاسی ختم نمی شود و حوزه های معرفتی مانند عرفان و کلام سیاسی را نیز در بر می گیرد. این تحقیق پیشنهاد می دهد تا ضمن توجه به این حوزه های معرفتی اندیشه حضرت امام، مباحث اصلی و اساسی فقه سیاسی و فلسفه سیاسی نیز به صورت مستقل و عمیق مورد بررسی پژوهشگران منظومه فکری حضرت امام قرار گیرد.

کلمات کلیدی: فقه سیاسی، فلسفه سیاسی اسلامی، تعامل فلسفه و فقه سیاسی، حکومت آرمانی، تفکر سیاسی امام خمینی.

فهرست مطالب

مقدمه: طرح تفصیلی	۱
۱- بیان مسأله	۲
۲- اهمیت و فایده آن	۲
۳- سابقه تحقیق	۳
۴- اهداف تحقیق	۳
۵- سؤالات (اصلی و فرعی) تحقیق	۳
۶- چارچوب نظری تحقیق	۴
۷- فرضیه های تحقیق	۴
۸- پیش فرض های تحقیق	۴
۹- روش انجام تحقیق	۵
۱۰- سازمان دهی تحقیق	۵
فصل یک: مفاهیم و کلیات	۶
مقدمه:	۷
تعریف بررسی ، وجوه و تعامل	۷
۲- فلسفه سیاسی	۸
۳- فقه سیاسی	۱۱

۴- تعامل میان فلسفه سیاسی و فقه سیاسی ۱۴

۵- چارچوب نظری ۱۶

الف: تبیین مبانی و مسائل فلسفه سیاسی ۱۷

۱- انسان و آزادی ۱۷

۲- جامعه و قانون ۱۸

۳- دین، حکومت و اهداف آن ۱۹

ب- بازتاب مبانی فلسفه سیاسی در فقه سیاسی ۲۲

جمع بندی ۲۵

فصل دوم: ویژگی های فلسفه سیاسی امام خمینی (ره) ۲۷

مقدمه: ۲۸

گفتار اول: مفهوم فلسفه سیاسی ۲۸

۱- تقسیم بندی نظام های فلسفی بر اساس روش استدلال ۲۹

۲- فلسفه سیاسی امام خمینی بر دو بال سروش و حیانی و استدلال عقلانی ۳۰

گفتار دوم: هستی شناسی در فلسفه سیاسی حضرت امام: ۳۲

۱- هستی شناسی در فلسفه غرب ۳۲

۲- هستی شناسی در فلسفه اسلامی ۳۴

هستی شناسی متعالیه امام و پیوند آن با فلسفه صدرایی ۳۵

گفتار سوم: انسان شناسی در فلسفه سیاسی حضرت امام: ۳۷

الف- تعاریف مختلف از انسان ۳۸

۱- انسان طبعاً فرد گراست ۳۸

۲- انسان موجودی طبعاً اجتماعی است ۴۱

۳- انسان طبعاً سیاسی است ۴۲

۴- انسان طبعاً عقلانی و آزاد است ۴۳

۵- انسان طبعاً غیر عقلانی و مجبور است ۴۴

۶- انسان طبعاً کمال پذیر است ۴۴

۷- انسان طبعاً کمال ناپذیر است ۴۵

ب- انسان در فلسفه سیاسی حضرت امام ۴۶

حقیقت و ماهیت انسان از دیدگاه حضرت امام ۴۶

الف- ماهیت ترکیبی انسان ۴۷

ب- ماهیت ترکیبی انسان از نگاه فلسفه اسلامی ۴۸

۲- دیدگاه حضرت امام در باب تربیت و تکامل انسان ۴۹

الف- تربیت پذیری انسان در جهات مختلف ۴۹

ب- جهت و هدف تربیت از نگاه حضرت امام ۵۱

۳- جایگاه و مقام انسان در هستی ۵۲

گفتار چهارم: معرفت شناسی در اندیشه سیاسی حضرت امام ۵۶

- ۱ - معرفت شناسی در اروپای معاصر ۵۶
الف: تزلزل معرفت شناسی عقلانی در غرب ۵۷
ب- شناخت عقلانی در محققان انفعال و فراموشی ۶۰
- ۲ - معرفت شناسی اسلامی ۶۱
الف- استواری عقل در معرفت شناسی اسلامی (در مقایسه با غرب) ۶۱
ب- اوج معرفت شناسی اسلامی در حکمت متعالیه ۶۳
ج- علل تاکید بر حکمت عملی صدرایی ۶۴
- ۳ - معرفت شناسی امام خمینی ۶۷
الف- انواع شناخت در معرفت شناسی امام ۶۸
شناخت حسی، عقلی و وهمی ۶۸
شناخت شهودی و وحیانی ۶۹
ب. تفاوت افراد در بهره مندی از شناخت وحیانی ۷۰
- ۴ - جامعه آرمانی در فلسفه سیاسی امام خمینی و نقش اجتهاد ۷۲
معیارهای جامعه آرمانی حضرت امام و ماهیت فلسفی آن ۷۳

جمع بندی ۷۵

فصل سوم: مهمترین ویژگی های فقه سیاسی امام خمینی (ره) ۷۸

مقدمه: ۷۹

گفتار اول: جایگاه مرجعیت در دیدگاه حضرت امام ۷۹

- الف- دوران شناسایی شرایط سیاسی اجتماعی (مقدمه قیام) ۸۰
ب- مبارزه در عالیترین سطح ۸۱

گفتار دوم: فقه جامعه محور ۸۲

- الف- شناسایی ماهیت استعمار بر مبنای فقه ۸۳
ب- فقه حضرت امام، مرتبط با مردم و جامعه ۸۵
ج- تقابل فقه سیاسی امام با جهل فراگیر ۸۶
د- تقیه و فقه سیاسی حضرت امام ۸۹

گفتار سوم: کارآمدی فقه در مدیریت جامعه: ۹۲

۱. تشریح، حق اختصاصی خداوند ۹۳
۲. کارآمدی فقه ۹۷
اول: کارآمدی معنوی فقه ۹۷
دوم: کارآمدی در امور دنیوی ۹۸
الف- بررسی معانی متعدد کارآمدی فقه در امور دنیوی ۹۹
ب- دیدگاه کلی فقه سیاسی امام در باب علوم و دستاوردهای بشری ۱۰۰
ج- انعطاف فقه در اداره اجتماع ۱۰۱
د- دایره انعطاف پذیری فقه سیاسی ۱۰۴

۱۰۵	و- تأکید امام (ره) بر پایبندی به فقه سنتی.....
۱۰۶	۳. نظارت فقه بر مصوبات مجلس.....
۱۰۷	گفتار چهارم: اقتضائات زمانی و مکانی و فقه المصلحة.....
۱۰۷	مقدمه:.....
۱۰۸	الف: ریشه دار بودن فقه المصلحة در فقه سیاسی امام (ره).....
۱۱۱	ب: رد پای فقه المصلحة در آثار اولیه حضرت امام (ره).....
۱۱۴	جمع بندی
۱۱۷	فصل چهارم: بازتاب فلسفه سیاسی در فقه سیاسی حضرت امام (ره).....
۱۱۸	مقدمه:.....
۱۱۸	هدف امام از قیام
۱۲۰	گفتار اول: حکومت عادلانه؛ آرمان فلسفی، تکلیف فقهی
۱۲۰	۱. مفهوم حکومت
۱۲۲	۲. مفهوم عدل
۱۲۲	۳. منشأ عدالت در اندیشه راولز
۱۲۴	۴. اشکالات دیدگاه راولز از منظر تفکر سیاسی امام
۱۲۵	۵. عدالت در دیدگاه سیاسی حضرت امام.....
۱۲۷	۶. وجوب برقراری حکومت عادلانه.....
۱۲۸	گفتار دوم: فقه؛ گذرگاه تکامل
۱۲۹	الف: فراگیر بودن فقه در راستای تکامل روحی انسان
۱۳۱	ب- قانون اسلام در خدمت سعادت انسان
۱۳۳	گفتار سوم: انسان کامل، معلم بشریت در مسیر تکامل
۱۳۳	الف: امامت در نگاه امامیه:
۱۳۶	ب: حاکمیت در عصر غیبت
۱۴۱	جمع بندی
۱۴۳	خاتمه
۱۴۷	منابع فارسی و عربی

منابع لاتین ۱۵۱

مقالات ۱۵۱

مقدمه: طرح تفصیلی

۱- بیان مسأله

اندیشه‌ها از خلأ بر نمی‌آیند و در خلأ نیز رشد و نمو ننموده و استحکام نمی‌یابند! بلکه اندیشه از عوامل خارجی و ذهنی متعددی متأثر می‌شود. گونه‌های متعدد تفکر و حوزه‌های مختلف معرفت در یک داد و ستد عمیق و دائمی با یکدیگرند!، چیزی می‌دهند و چیزی می‌ستانند. شاید بتوان گفت که این خاصیت ذاتی تفکر است که نمی‌توان آن را در هیچ حصری به بند کشید. پس در اصل تأثیر و تأثر حوزه‌های معرفتی سخنی و بحثی نیست، اگر سخنی باشد در چند و چون و کم و کیف این تأثیر و تأثر است.

البته مفروض بودن تعاملات حوزه‌های معرفتی به این معنی نیست که اندیشمندان همواره به این تأثیرات آگاهند؛ اغلب اوقات، متفکران به تأثیر پذیری خویش آگاه نیستند. اما به نظر می‌رسد منظومه فکری سیاسی حضرت امام (قدس سره) کاملاً آگاهانه شکل گرفته است. آنگاه که از وی می‌پرسند چه نوع حکومتی بنا خواهید کرد؟ می‌فرمایند: حکومتی شبیه حکومت علوی. پس قلّه و آرمان حکومت در فلسفه سیاسی امام (ره) همان حکومت علوی است. اما آنگاه که راه رسیدن به این آرمان را در اندیشه سیاسی امام جستجو می‌کنیم، می‌بینیم که از نظر امام خمینی این فقه سیاسی است که ما را به آن اوج می‌رساند. و این نشان دهنده آن است که فلسفه سیاسی و فقه سیاسی حضرت امام در یک تعامل آشکار قرار دارند و فقه سیاسی امام دقیقاً در راستای همان آرمانی است که یکی در زمره اصول فلسفه سیاسی حضرت امام است. در این تحقیق به وجوه تعامل فلسفه سیاسی و فقه سیاسی در اندیشه امام خمینی پرداخته می‌شود.

۲- اهمیت و فایده آن

از آنجا که تا کنون نوشته منسجمی درباره تعامل فلسفه سیاسی و فقه سیاسی حضرت امام (قدس سره) به رشته تحریر در نیامده است، تحقیق حاضر می‌تواند به پژوهشگرانی که در حوزه اندیشه سیاسی امام خمینی (قدس سره) تحقیق می‌کنند مفید فایده باشد. همچنین روش این تحقیق می‌تواند کمک کند تا تأثیر دیگر حوزه‌های معرفتی در اندیشه سیاسی امام خمینی بر یکدیگر را مورد بررسی قرار دهیم.

در بعد اجتماعی و کاربردی نیز با توجه به این که استراتژی ها و اهداف و برنامه ریزی های جمهوری اسلامی ایران متأثر از اندیشه های امام خمینی (ره) است، فهم فلسفه سیاسی امام و رابطه آن با فقه سیاسی ایشان می تواند به تدوین صحیح و تحقق سریع این موارد در جهت اعتلای انقلاب اسلامی کمک کند.

ضرورت این بحث برای حوزه های علمیه که بار سنگین فقاقت را به دوش می کشند و باید پاسخگوی مشکلات اجتماع باشند کاملاً روشن است.

۳- سابقه تحقیق

تحقیق مستقلی در این باره یافت نشد. اما کسانی که در حوزه فلسفه سیاسی و فقه سیاسی مطالبی بیان نموده اند به رابطه میان فلسفه سیاسی و فقه سیاسی اشاراتی دارند که از جمله می توان به اثر آقای سید صادق حقیقت در باب رابطه فلسفه سیاسی و فقه سیاسی اشاره کرد که در مجله حکومت اسلامی، ش ۳، بهار ۱۳۷۶ به چاپ رسیده است و مشتمل بر تعریف فلسفه سیاسی و فقه سیاسی و همچنین کلام سیاسی است و به پاره ای از ارتباطات این ها می پردازد. اما همه این ها در سطح کلی است نه در خصوص امام راحل (قدس سره) و از آنجا که ما در این تحقیق به دنبال فلسفه سیاسی و فقه سیاسی حضرت امام و همچنین تعامل آنها هستیم، نه تعریف و تعامل فلسفه سیاسی و فقه سیاسی به طور کلی، در سابقه تحقیق به دنبال مواردی هستیم که در این باب باشد. که تا کنون منبع خاصی یافت نشد.

۴- اهداف تحقیق

روشن شدن تأثیر حوزه های معرفتی بر یکدیگر در حوزه اندیشه سیاسی اسلام.
پی بردن به فلسفه سیاسی و فقه سیاسی امام خمینی (قدس سره).
فهم وجوه تعامل میان فلسفه سیاسی و فقه سیاسی امام خمینی (ره).

۵- سوالات (اصلی و فرعی) تحقیق

سؤال اصلی:

وجوه تعامل میان فلسفه سیاسی و فقه سیاسی امام خمینی (قدس سره) چگونه است؟

سوالات فرعی:

ویژگی های فلسفه سیاسی امام خمینی (ره) چیست؟

مهمترین ویژگی های فقه سیاسی امام خمینی (ره) چیست؟

چگونه این فلسفه سیاسی بر فقه سیاسی امام (قدس سره) تأثیر گذاشته است؟

۶- چارچوب نظری تحقیق

فلسفه سیاسی به مباحث کلان در حوزه سیاست می پردازد که بر محور هستی شناسی، انسان شناسی، معرفت شناسی، جامعه شناسی و فرجام شناسی است. مباحثی نظیر منشأ حاکمیت؟ ضرورت قانون؟ منشأ قانون و... در اینجا یعنی فلسفه سیاسی مطرح می گردد. از سوی دیگر فقه سیاسی به تشریح این مباحث از منظر حقوق و تکالیف افراد و جامعه می پردازد. مباحثی نظیر: ویژگی ها و صفات حاکمان، حقوق و تکالیف شهروندان و... در فقه سیاسی مورد بررسی قرار می گیرد. با توجه به این ویژگی ها، تحقیق حاضر بر آن است که از چارچوبی استفاده نماید که آیت الله جوادی آملی در کتاب ولایت فقیه مورد استفاده قرار داده اند. ایشان در این کتاب ابتدا مباحث کلان را در حوزه فلسفه سیاسی مورد بررسی قرار می دهند و نقطه آغاز آن یک انسان شناسی اسلامی است و سپس به مباحثی در باب هستی شناسی و جامعه شناسی می پردازند تا بتوانند جایگاه دین در حوزه سیاست را مشخص نمایند. سپس در فصل دوم کتاب به اهداف حکومت اسلامی اشاره کرده و آنگاه وارد مباحث ولایت فقیه در حوزه عقلی و نقلی آن می شوند، این مباحث در حقیقت تشریح همان مبانی فلسفی مطرح شده در چهارچوب نظریه ولایت فقیه است.

ما در پی آن هستیم تا اندیشه سیاسی امام خمینی (قدس سره) را در این قالب بررسی نماییم. آنگاه روشن خواهد شد که آن دسته از اندیشه های امام (ره) که در حوزه فلسفه سیاسی جای می گیرند کدامند و مباحث فقه سیاسی امام در این حوزه چیست؟ و چه تعاملی میان این دو حوزه وجود دارد؟.

۷- فرضیه های تحقیق

بنیان های توحیدی فلسفه سیاسی امام خمینی (ره) در مباحث هستی شناسی، انسان شناسی، معرفت شناسی و ترسیم جامعه آرمانی به خوبی خود را در مباحث فقه سیاسی نظیر صفات و تکالیف حاکمان، قانون گذاری، اجرا و کارآمدی فقه و نقش آن در جامعه آرمانی نشان می دهد.

۸- پیش فرض های تحقیق

هر حوزه معرفتی بر یک سری مبانی و مسائل استوار است. امام خمینی (قدس سره) یک اندیشمند جامع الاطراف است: فقهی، زمان شناس، عارفی و اصل و فیلسوفی تمام عیار.

اندیشه های امام (ره) بر یک بنیان فلسفی استوار است .
میان حوزه های معرفتی در اندیشه سیاسی امام خمینی تعامل وجود دارد.

۹- روش انجام تحقیق

نوع روش پژوهش حاضر توصیفی تحلیلی می باشد و روش گردآوری اطلاعات کتابخانه ای است و ابزار گردآوری اطلاعات فیش می باشد.

۱۰- سازمان دهی تحقیق

تحقیق حاضر با یک مقدمه آغاز می گردد که در آن به تشریح طرح تحقیق این پایان نامه پرداخته می شود. سپس در فصل اول با عنوان مفاهیم و کلیات، اصلاحات به کار رفته در عنوان پژوهش مورد بررسی قرار می گیرند تا معنی و مفهوم این اصطلاحات توضیح داده شوند. همچنین در این فصل چارچوب نظری به صورت تفصیلی مطرح می گردد.

فصل دوم با عنوان ویژگی های فلسفه سیاسی امام خمینی(ره) ، مشتمل بر مبانی و مسائل فلسفه سیاسی حضرت امام در حوزه های هستی شناسی، انسان شناسی، معرفت شناسی و ترسیم جامعه آرمانی است. سپس در فصل سوم با عنوان مهمترین ویژگی های فقه سیاسی امام خمینی(ره) ، به بررسی جایگاه فقه در عرصه اجتماع و سیاست از نگاه حضرت امام می پردازیم . پس از روشن شدن این دو در فصل چهارم با عنوان بازتاب فلسفه سیاسی در فقه سیاسی حضرت امام(ره) ، به بررسی وجوه تعامل میان فلسفه سیاسی و فقه سیاسی امام خمینی می پردازیم. و در خاتمه جمع بندی نهایی ارائه می گردد.

فصل یک: مفاهیم و کلیات

مقدمه:

از آنجا که برخی از واژگان در عنوان این تحقیق، نیازمند شرح لغوی یا اصطلاحی هستند، در ابتدای این فصل سه واژه «بررسی»، «وجوه» و «تعامل» توضیح لغوی داده شده و سپس دو اصطلاح فلسفه سیاسی و فقه سیاسی و همچنین تعامل میان آن دو مورد بررسی قرار می‌گیرند و در پایان این فصل نیز چهارچوب نظری این نوشتار ارائه می‌گردد.

تعریف بررسی، وجوه و تعامل

«بررسی» در لغت به معنای تفتیش، تنقیب و فحص است و بررسی کردن به معنای امعان نظر در نوشته‌ای، غوررسی و اظهار نظر در محتوای کتابی یا مقاله‌ای نیز به کار می‌رود.^۱ در فرهنگ نامه فارسی واژگان و اعلام، بررسی به معنای پژوهش در جایی، چیزی یا موضوعی به یاری حواس، تفکر، آزمایش، خواندن مطالب، یا پرس و جو از آگاهان آمده است.^۲ «وجوه» از ماده وجّه به معنای روی و چهره و همچنین کیفیت و چگونگی است.^۳ در مجمع و قاموس و مصباح گفته: «الوجه مستقبلٌ کلُّ شیءٍ وجه روی هر چیز است که با آن روبرو شوند.»^۴ وجوه به معنای طریقه‌ها، روش‌ها و طورها و نوع‌ها نیز آمده است.^۵ همانطور که گفته می‌شود «الكلام خمسة أوجه» کلام پنج نوع دارد.^۶ «تعامل» به معنای داد و ستد متقابل یا برهمکنش است.^۷

^۱ علی اکبردهخدا، لغت نامه دهخدا، چاپ دوم از دوره جدید، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۷۷، ج ۳، ص ۴۵۶۶.

^۲ غلامحسین صدری افشار و دیگران، فرهنگنامه فارسی واژگان و اعلام، تهران، فرهنگ معاصر، ۱۳۸۸، ج ۱، ص ۴۸۸.

^۳ علی اکبر دهخدا، همان، ج ۱۵، ص ۲۳۱۳۱.

^۴ سید علی اکبر قرشی، قاموس قرآن، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۵۴، ج ۵، ص ۱۸۴.

^۵ علی اکبردهخدا، همان، ج ۱۵، ص ۲۳۱۳۱.

^۶ پرویز اتابکی، فرهنگ جامع کاربردی فرزانه، تهران، نشر و پژوهش فرزانه روز، ۱۳۸۰، ج ۴، ص ۲۸۵۷.

^۷ غلامحسین صدری افشار، همان، ج ۱، ص ۸۳۱.

اصطلاحات فلسفه سیاسی، فقه سیاسی و تعامل میان آن دو نیازمند توضیح بیشتری هستند؛ چرا که هم نقطه تأکید این تحقیق در حوزه اندیشه سیاسی امام خمینی (ره) می باشد و هم دیدگاه های مختلفی در باب موضوعات، مسائل و اهداف آنها وجود دارد. قبل از پرداختن به آنها به این نکته اشاره می کنیم که مراد ما از اندیشه سیاسی امام خمینی (ره) مجموع گفتارها، نوشتارها- فلسفی، فقهی، عرفانی و...- و تصمیم گیری های امام راحل (ره) در عرصه سیاست است که بازتاب های مختلفی در قوانین، نهادها و استراتژی های جمهوری اسلامی ایران داشته اند.

۲- فلسفه سیاسی

اندیشه سیاسی به قدمت نژاد بشر است. در حالی که فلسفه سیاسی در یک زمان خاص در تاریخ مکتوب ظهور پیدا کرد. قدمت تأملات فلسفی در عرصه سیاست را می توان در یونان باستان جستجو کرد. همان طور که بهروز لک می گوید: «متفکران این دوره توانستند تفکرات عقلانی در باب سیاست را در یک ساختار و منظومه منسجم ارائه کنند. با ظهور دوران مدرن فلسفه سیاسی متناسب و سازگار با اصول مدرنیسم شکل گرفت و اندیشمندانی چون کانت، هگل، مارکس و بعدها لئو اشتراوس و راولز در عرصه فلسفه سیاسی مدرن به تفکر و اندیشه ورزی پرداخته اند. به رغم نگرش های مختلف این نحله های فلسفی به چستی، مسائل و غایت فلسفه سیاسی می توان تمامی این نحله ها را در تأمل عقلی در باب مسائل سیاسی مشترک دانست. این خصیصه مشترک آن چیزی است که آنتونی کوئینن در تعریف بدوی فلسفه سیاسی از آن بهره برده است: «فلسفه سیاسی همان چیزی است که موضوع مشترک یک سلسله کتاب های مشهور مثل جمهور افلاطون، سیاست ارسطو، شهریار ماکیاوول و ... است»^۱.

علی رغم پیشینه طولانی فلسفه سیاسی یک عدم توافق کامل درباره موضوع، روش و کارویژه آن وجود دارد. تا آنجا که گاهی آن را صرفاً اخلاق عملی پنداشته اند^۲ و بارها با اندیشه سیاسی همسان تلقی شده است.^۳ از این رو برای روشن شدن ماهیت و مسائل فلسفه سیاسی بررسی تعاریف و تفاوت های آن با رشته های سیاسی دیگر حائز اهمیت است.

پاپیکس و استرول فلسفه سیاسی را « شرح و وصف سازمانهای اجتماعی گذشته و کنونی و از طرف دیگر تعیین ارزش آن سازمان ها می دانند » که از جهت اول همانند علم اقتصاد و سیاست و

^۱ غلامرضا بهروز لک، نسبت کلام سیاسی و فلسفه سیاسی، فصل نامه علوم سیاسی ش ۲۲، ۱۳۸۲.

^۲ ریچارد پاپیکس و اورم استرول، کلیات فلسفه، ترجمه جلال الدین مجتبیوی، تهران، حکمت، ۱۳۷۶، ص ۹۹.

^۳ لئو اشتراوس، فلسفه سیاسی چیست؟، ترجمه فرهنگ رجایی، تهران، علمی و فرهنگی، ۱۳۷۳، ص ۵.

انسان شناسی و از جهت دوم همانند علم اخلاق است. مثلاً در فلسفه سیاسی اوصاف اساسی انواع گوناگون حکومت ها (دموکراسی ، پاد شاهی، فاشیسم و ...) توصیف می شود و در همان حال سؤالاتی درباره آنها مطرح می گردد مانند اینکه توجیه اساسی برای وجود صورتی از حکومت چیست؟^۱

در " فرهنگ فرهیخته " نیز دو تعریف از فلسفه سیاسی ارائه شده است که اولی : توضیح و توجیه دلیل وجودی حکومت ها و تبیین چگونگی رفتار دولت مردان و دومی : تحقیق در مورد سیر تدریجی اندیشه های سیاسی مانند پیدایش ، نضج گیری و تحولات آن در مکان ها و زمان های مختلف است.^۲

حسین بشیریه نیز فلسفه سیاسی را با ویژگی هنجاری آن تعریف کرده است: فلسفه سیاسی اغلب به شیوه های انتزاعی با غایات حکومت و ابزارهای مناسب دست یابی به آنها و مآلاً با بهترین شکل حکومت سر و کار دارد. موضوعات اصلی فلسفه سیاسی را مباحثی چون چگونگی احراز حقیقت، عدالت، مبانی خیر و صلاح عمومی، لوازم آزادی و برابری، استوار کردن زندگی سیاسی بر اصول اخلاقی، دلیل و ضرورت وجود حکومت، دلایل اطاعت اتباع از قدرت و جز آن تشکیل می دهد. تفاوت فلسفه سیاسی و اندیشه سیاسی در همین علایق انتزاعی تر آن است و اندیشه سیاسی خصلتی عمل گرایانه تر دارد.^۳

لئو اشتراوس در یک تعریف مقدماتی فلسفه سیاسی را کوششی برای فهم ماهیت امور سیاسی می داند.^۴ اما او سعی دارد تعریف بهتری از این اصطلاح ارائه دهد؛ اگر به اصطلاح فلسفه سیاسی دقت کنیم می بینیم که کلمه فلسفه بیانگر روش بحث از مقوله سیاسی است روشی که هم فراگیر است و هم به ریشه مسئله توجه دارد . کلمه سیاسی هم بیانگر موضوع بحث است و هم کارویژه این مشغله را نشان می دهد و از آنجا که فلسفه کوششی است برای نشان دادن معرفت به کل به جای گمان نسبت به کل پس می توان به این نتیجه رسید که : «فلسفه سیاسی کوششی است آگاهانه، منسجم و خستگی ناپذیر برای نشان دادن معرفت نسبت به اصول سیاسی به جای گمان درباره آنها».^۵

پس در مجموع با توجه به این تعاریف می توان گفت:

اولاً: فلسفه سیاسی همانند فلسفه به دنبال معرفت است و البته در اصول سیاسی؛

^۱ ریچارد پاپکیس و اورم استرول، همان، ص ۹۹.

^۲ شمس الدین فرهیخته، فرهنگ فرهیخته، تهران، زرین، ۱۳۷۷، ص ۵۷۸.

^۳ حسین بشیریه، تاریخ اندیشه های سیاسی در قرن بیستم، تهران، نشر نی، ۱۳۷۸، ج ۱، ص ۱۷.

^۴ لئو اشتراوس، همان، ص ۸.

^۵ همان، ص ۵.

ثانیاً: فلسفه سیاسی یک شرح و وصف در سطح کلان سیاسی و تاریخی است نه بررسی سطحی و محدود به یک جامعه خاص یا زمان مشخص و همانطور که جین همپتون می گوید: فیلسوفان سیاسی، سیاست های روز به روز دولت ها را در کانون توجه قرار نمی دهند و علاقه شان در وهله نخست درک و فهم هیچ نهاد بخصوصی در دولت های موجود نیست، وظیفه فلسفه سیاسی توصیف سطحی جوامع خاص نیست، در عوض فیلسوف سیاسی می خواهد در عمیقترین لایه ها شالوده های دولت ها و توجیه اخلاقی آنها را درک کند؛^۱

ثالثاً: فلسفه سیاسی در عین بررسی می خواهد توجیه اخلاقی آنها را نیز درک کند. این تلاش از آن روست که حرکت فلسفه سیاسی به سوی معرفت به زندگی خوب یا جامعه خوب است و به تعبیر اشتراوس هرگاه انسان ها هدف صریح خود را کسب معرفت نسبت به زندگی خوب یا جامعه خوب قرار دهند، فلسفه سیاسی پدیدار می شود.^۲ پی بردن به بهترین شکل حکومت دغدغه فیلسوفان سیاسی است و همواره پرسشهایشان مبتنی بر اهداف عظیم بشری نظیر: آزادی، حکومت، قانون و... است مثلاً در فلسفه سیاسی می گوئیم «حدود قدرت حکومت بر اعضای جامعه چیست؟ آیا ممکن است نظارت و مراقبت شدید و سختی بر امور اقتصادی مردم داشت بدون آن که آنها را از آزادی سیاسی محروم کرد؟ بی شک این مطالب تا اندازه ای شامل ملاحظات اخلاقی است و می خواهد زندگی خوب و جامعه خوب را بفهمد و ترسیم کند اما نباید آنرا با اخلاق عملی اشتباه گرفت چرا که در آنها مسائل ویژه ای هست که تنها در فلسفه سیاسی مطرح می شود.^۳

از آنجا که دیدگاه ها و اندیشه های فیلسوفان سیاسی همواره منسجم و ساده نیست، اندیشمندان، دسته بندی آنها در پنج مقوله هستی شناسی، انسان شناسی، معرفت شناسی، جامعه شناسی و فرجام شناسی را باعث بررسی، فهم و نقد بهتر آنها می دانند. اینها در حقیقت مبانی هر فلسفه سیاسی را تشکیل می دهند. مراد از هستی شناسی پاسخ هر فیلسوف به پرسش هایی است که درباره هستی مطرح می گردد نظیر اینکه آیا هستی دارای نظم و هدف است؟ آیا خالق قدرتمند و... دارد؟ اگر فلسفه ای هستی را منظم و هدفمند بداند، سیاست نیز به تبع آن، جزئی از این نظام هدفمند خواهد بود. انسان شناسی در ادامه بحث هستی شناسی و به تبع آن است؛ پاسخ به پرسشهایی نظیر اینکه انسان چگونه موجودی است و چه نقشی در هستی دارد؟ آیا اختیار و آزادی دارد؟ آیا فردگرا است یا جمع گرا؟ و... نقش تعیین کننده ای حتی در جزئیات مسائل سیاسی دارد که هر فلسفه سیاسی به آن می پردازد. معرفت شناسی هر مکتبی بر انسان شناسی آن استوار است. برخی از پرسش

^۱ جین همپتون، فلسفه سیاسی، ترجمه خشایار دیهیمی، تهران، طرح نو، ۱۳۸۰، ص ۱۲.

^۲ لئو اشتراوس، همان، ص ۲.

^۳ ریچارد پاپکیس و اورم استرول، همان، ص ۹۹.